

علم حدیث و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفویه بر آموزش آن در مدارس

موسی الرضابخشی استاد / دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران

احمد بادکوبه / دانشیار دانشگاه تهران

علی بیات / استادیار دانشگاه تهران

چکیده

علم «حدیث» در کنار فقه، از مواد درسی مهم در مدارس عصر صفویه بود، اما توجه مدارس به آن در دوره مزبور یکسان نبود. در این نوشتار، روند آموزش علم حدیث در مدارس عصر صفوی با استفاده از منابع تاریخی این دوره و همچنین فهرست نسخه‌های خطی و ارائه اطلاعات آماری از آنها در دو نیمه عصر صفوی بررسی می‌گردد. در نیمه اول این دوره، به علت حاکمیت عقل‌گرایی بر مدارس، علم حدیث آنچنان که شایسته است مورد توجه واقع نشد، اما در نیمه دوم این دوره، با احیای مکتب «اخباری‌گری» و تحت تأثیر آن، آموزش اخبار و احادیث شیعه در مدارس رونق یافت، به گونه‌ای که در اواخر عصر صفوی، تدریس یکی از کتب چهارگانه حدیثی شیعه جزو شروط وقف‌نامه بعضی از مدارس قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: صفویه، شیعه، مدرسه، حدیث، اخباری‌گری.

مقدمه

تشکیل حکومت صفوی در اوایل قرن دهم هجری، از حوادث مهم تاریخ ایران است. با ظهور صفویه، مذهب تشیع دوازده امامی به عنوان مذهب رسمی در ایران استقرار یافت؛ کاری که پیش از آن هیچ‌یک از حکومت‌های شیعه در طول تاریخ خود، نتوانسته بود به آن جامعه عمل ببوشاند. در این بستر مساعد، تعلیم و تربیت بر آموزه‌های شیعی استوار گردید و زمینه مناسبی برای رشد و شکوفایی معارف شیعی در ایران فراهم آمد. در این دوره، مدارس بسیاری با حمایت شاه، خاندان سلطنتی، صاحب‌منصبان و ثروتمندان خیر بنا شد. احداث مدارس در دوره شکوفایی عصر صفویه، یعنی از دوره شاه عباس اول (حک ۹۹۶-۱۰۳۸) به بعد، اوج گرفت و حتی در دوران انحطاط سیاسی عصر صفوی، یعنی دوره حکومت شاه سلیمان (حک ۱۰۷۷-۱۱۰۵) و شاه حسین (حک ۱۱۰۵-۱۱۳۵) نیز همچنان ادامه یافت. از این منظر، دوره ضعف و انحطاط عصر صفویه مقارن با دوره اوج و شکوفایی ساخت مدارس است، به گونه‌ای که در دوره حکومت شاه سلیمان در اصفهان، پایتخت صفویه بنا بر قول شاردن، قریب پنجاه مدرسه^۱ وجود داشت. (شاردن، ۱۳۳۰ش، ص ۱۷۰) اندیشه دینی غالب در مدارس این دوره، تشیع دوازده‌امامی بود و واقفان و بانیان مدارس، به‌رغم اختلاف در بعضی از مسائل، بر سر این موضوع اتفاق نظر داشتند که مدارس باید مکانی برای آموزش تعالیم شیعه دوازده‌امامی باشد. از این رو، تعلیم و تعلم متون درسی شیعه در رشته‌های گوناگون، به‌طور گسترده در مدارس این دوره، رواج یافت. علم «حدیث» نیز یکی از مواد درسی مهم مدارس به شمار می‌آمد و با توجه به زمینه‌های مناسب، عصر صفوی دوره رواج و گسترش احادیث شیعی، به ویژه کتب چهارگانه، و تدوین مجامع بزرگ حدیثی شیعه به شمار می‌آید.

۱. مدرسه در عصر صفویه مهم‌ترین نهاد آموزش و به مثابه آموزش عالی آن دوره به شمار می‌آمد.

این نوشتار کوشیده است روند توجه مدارس به علم حدیث در عصر صفویه و تأثیر جریان‌های فکری حاکم عصر صفوی بر آن، در دو دوره مزبور را بررسی کند: اول، نیمه اول عصر صفویه، یعنی دوره غلبه اندیشه اصولیان و حکما در مدارس؛ دوم، نیمه دوم عصر صفویه؛ دوره‌ای که تقریباً مقارن با رواج اندیشه اخباری‌گری در بسیاری از مدارس بود و اوج آن چند دهه آخر حکومت صفویه، به ویژه دوره حکومت شاه حسین صفوی (حک ۱۱۰۵-۱۱۳۵) بود.

جایگاه حدیث در مدارس نیمه اول عصر صفویه

با تشکیل حکومت صفویه و رسمی شدن مذهب شیعه دوازده امامی، تعلیم و تربیت و برنامه‌های آموزشی در همه سطوح، به ویژه مدارس، به عنوان مهم‌ترین نهاد آموزش تحت تأثیر این مذهب قرار گرفت. در مدارس نو بنیاد، متون درسی تشیع مورد توجه قرار گرفت که تبلور اصلی آن را می‌توان در دروس فقه و حدیث مشاهده کرد. علاوه بر این، مدارس اهل سنت در نقاطی که امکان‌پذیر بود، به ویژه در شهرهای مهم مثل اصفهان و شیراز، به مذهب شیعه دوازده امامی اختصاص یافت^۱ و فقط طلاب شیعه می‌توانستند در این مدارس تحصیل کنند. برای نمونه، در مدرسه «جده کوچک»^۲ در اصفهان آمده است: «وقف مؤبد بر علمای علوم یقینیه از فرقه حقه

۱. از جمله این مدارس، می‌توان به مدرسه «باباقاسم» در اصفهان اشاره کرد که مربوط به قبل از صفویه و از مدارس سنتی‌ها بود. این مدرسه چون در کنار امام‌زاده اسماعیل قرار داشت، به مدرسه «امامیه» نیز شهرت یافت. (هنر فر، ۱۳۵۰، ص ۳۰۲-۳۰۳) مدرسه مزبور در عصر صفویه به فعالیت آموزشی خود، اما در قالب مذهب شیعه ادامه داد. شاه حسین صفوی رقباتی به این مدرسه اختصاص داد و بر طلب مذهب دوازده‌امامی وقف کرد. (وقف‌نامه مدرسه امامیه اصفهان، ش ۱۵۱۸۱)

۲. این مدرسه در بازار بزرگ اصفهان، معروف به «قهوه کاشی‌ها» در سال ۱۰۵۶ ق به دستور دلارام خانم، همسر شاه عباس اول، تأسیس شد. (هنر فر، ۱۳۵۰، ص ۵۵۴)

اثنا عشری.» (احمدی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳) در وقف‌نامهٔ مدرسهٔ «مقیمیه»^۱ شیراز، واقف چنین شرط کرده است: «وقف بر طالبان حقّ امامیهٔ اثنا عشری و طالبان علوم دینیّه و معارف یقینیه امامی المذهب متمسکین به ولاء ائمهٔ معصومین.» (حاتمی، ۱۳۸۲، ص ۴۴) این امر در سایر وقف‌نامه‌هایی که از این دوره باقی است به وضوح مشاهده می‌شود، برای نمونه، در سه شهر اصفهان، شیراز و مشهد، که جزو مهم‌ترین شهرهای سیاسی، علمی و مذهبی عصر صفویه به شمار می‌آمدند، حتی یک مدرسهٔ غیر شیعی نیز مشاهده نمی‌شود.

در این دوره، علم حدیث در کنار سایر علوم دینی، از مواد درسی مدارس به شمار می‌آمد و گزارش‌هایی از تدریس حدیث در مدارس وجود دارد، اما به رغم وجود محدثان و آثار حدیثی در نیمهٔ اول عصر صفویه، علم حدیث آنچنان‌که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفت؛ زیرا گرایش اصلی و غالب در مدارس علمی شیعه، مکتب «اصولی» و عقل‌گرا بود. در ابتدای تأسیس حکومت صفوی، بیشتر علمای ایرانی مانند غیاث‌الدین منصور دشتکی (ت ۹۴۸)، مدرّس «منصوریه» شیراز، مصلح‌الدین لاری (ت ۹۷۹) و میرزا جان شیرازی (ت ۹۹۴) بیشتر به علوم عقلی توجه داشتند. با نگاهی اجمالی به شرح احوال علما و مدرّسان بزرگ دورهٔ صفوی و آثارشان در کتاب *عالم آرای عباسی*، به روشنی می‌توان چیرگی گرایش اصولی را در سنت آموزشی عالمان ایرانی نیمهٔ اول عصر صفوی، از نظر آثار تألیفی و همچنین متونی که تدریس می‌شد به روشنی دریافت. (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۵۶)^۲ بنابراین، دروس فقه و اصول و علوم حکمی در مدارس از جایگاه بالاتری

۱. این مدرسه را محمّد مقیم کاشانی در سال ۱۰۵۹ق در جنوب مسجد جامع شیراز ساخت. (حاتمی، ۱۳۸۲، ص ۴۲)

۱. تقریباً همهٔ عالمانی که شرح احوالشان در *عالم آرای عباسی* آمده و بیشتر مربوط به نیمهٔ اول عصر صفوی هستند، در معقولات مهارت داشتند؛ امری که در نیمهٔ دوم عصر صفوی کمتر مشاهده

برخوردار بود، به گونه‌ای که حدیث را تحت‌الشعاع قرار داد. (رجبی، ص ۲۰۱). محمدتقی مجلسی^۱ (ت ۱۰۷۰) در دیباجة لوامع صاحب‌قرانی به این مطلب اشاره می‌کند که تاکنون آنچنان که شایسته است علم حدیث مورد توجه قرار نگرفته و اخبار بسیاری وجود دارد که هیچ‌یک از علما به حل مشکلات و تفصیل آن‌ها نپرداخته‌اند. (مجلسی، ج ۱، ص ۸۱) جوردی، که به بررسی اوضاع دینی و علمای مهاجر به ایران در عصر صفویه پرداخته، به حاکمیت عقل‌گرایی در مراکز آموزشی ایران در آستانه ظهور صفویه و قرن دهم هجری تصریح کرده است. (Rula jurdi, 2004, p.10). نویسندگان دیگر نیز به رونق نداشتن علم حدیث در قرن دهم هجری در ایران اشاره کرده‌اند. (معارف، ۱۳۸۱، ص ۴۰۲)

با ارزیابی فهرس نسخه‌های خطی مربوط به این دوره، می‌توان به ضعف احتمال مدارس به علم حدیث در مقایسه با نیمه دوم دوره صفوی پی برد. در فهرست نسخه‌های خطی موجود در کتاب‌خانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۳۰۹ نسخه خطی از کتب چهارگانه حدیثی، که در عصر صفویه در ایران استنساخ شده، فهرست گردیده که فقط ۳۱ نسخه از آنها مربوط به قرن دهم هجری است (برای نمونه، ر.ک. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۵، ۲۲۷ و ج ۱۰، ص ۱۹۸) و دیگر نسخه‌ها مربوط به قرن یازدهم و چند دهه پایانی دوره صفویه در قرن دوازدهم است و این می‌تواند تا حدی توجه کمتر به علم حدیث را در نیمه اول دوره صفویه نشان دهد. در فهرست نسخ خطی کتاب‌خانه آیه‌الله گلپایگانی نیز هیچ‌یک از کتاب‌های

می‌شود. برای نمونه، در شرح حال شاه تقی‌الدین محمد آمده است: «در معقولات و حکمیات، ترقی فاحش کرد و بر مسند افاده و تدریس در الفضل شیراز تمکن یافت.» (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸).

۱. نویسنده **روضات الجنات** او را نخستین کسی دانسته که پس از ظهور صفویان، حدیث شیعه را در ایران نشر داد. (خوانساری، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۱۸)

چهارگانه استنساخ شده، که در آن به نام مدارس اشاره شده، مربوط به نیمه اول عصر صفوی نیست. (برای نمونه، ر.ک. صدرایی خوئی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰۷۹ و ج ۸، ص ۴۶۵) همچنین با نگاهی به مواد درسی، که در این دوره تدریس می‌شد و نیز کتاب‌هایی که در مدارس تألیف و یا استنساخ می‌گردید، می‌توان اهمیت بیشتر علوم حکمی و فقه را نسبت به علم حدیث دریافت.

تأثیر اندیشه اخباری‌گری بر آموزش حدیث در مدارس نیمه دوم عصر صفویه

نیمه دوم عصر صفویه مقارن با احیا و رونق مکتب «اخباری‌گری»^۱ در مدارس بود. احیای این اندیشه را در عصر صفویه به محمّدامین استرآبادی (ت ۱۰۳۳)^۲ نسبت می‌دهند. در اندیشه اخباری‌گری، علم «حدیث»، کانون اصلی علوم دینی بود و علمای اخباری برای این علم اهمیت ویژه‌ای قایل بودند. برای نمونه، محمّد صالح حسینی خاتون‌آبادی از مدرّسان اواخر عصر مزبور، کسی را عالم حقیقی می‌داند که به علم حدیث می‌پردازد و حتی گروهی را که به کتبی مثل شفاء و اشارات مشغول می‌شوند جاهل می‌نامد. (ر.ک. حسینی خاتون‌آبادی، گ. ۱۱۳ الف و برگ ۱۱۷ الف) سماهیجی نیز از دانشمندان برجسته اخباری اواخر عصر صفویه و از کسانی بود که به بیان اختلافات بین اصولیان و اخباریان پرداخته است. او در کتاب منیة الممارسین، دیدگاه اصولیان را

۱. اخباریان تابع اخبارند و در مسائل مذهبی، به‌ویژه احکام، به اخبار رسیده (احادیث و روایات امامان معصوم علیهم‌السلام) استناد می‌کنند و اجتهاد را، که بر محور عقل، اجماع و سنت است، نادرست می‌دانند. (رعدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸)

۲. محمّدامین استرآبادی سال‌ها در مکه و مدینه مجاور بود. او در پی احیای شیوه اخباری‌گری در برابر روش فقهی اصولی مجتهدان بود و در این راه، موفق به ارائه دیدگاه‌های عقیدتی و فکری خود در آثارش شد و تأثیر زیادی در حوزه تفکر دینی در ایران و اسلام داشت. دو اثر معروف او فوائده المدنیه به زبان عربی و دانش‌نامه شاهی به زبان فارسی است. (برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. رعدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷-۱۳۲)

مبنی بر اینکه برای اجتهاد، دانستن منطق و کلام ضروری است، رد می‌کند و برای مجتهد و مفتی، آگاهی از علم حدیث را کافی می‌داند. (سماهیجی، گ. ۱۸۹ب) این دیدگاه هرچند مخالفانی داشت، اما بی‌تردید، رواج چنین اندیشه‌هایی در رونق یافتن علم حدیث در نیمه دوم عصر صفویه بسیار تأثیرگذار بود.

بسیاری از مدارس که تحت تأثیر این اندیشه قرار گرفتند اهتمام بسیار به علم حدیث نشان دادند و سهم زیادی در گسترش آن در این دوره ایفا کردند. این توجه حتی در مدارس که به تعلیم و تعلم علوم عقلی شهره بودند، مثل مدرسه «منصوریه» شیراز نیز مشاهده می‌شود؛ چنان که حضور شیخ ماجد بحرانی در مدرسه «منصوریه» موجب رونق علم حدیث در این مدرسه و شیراز گردید. (ر.ک. بحرانی، ص ۱۳۷). فیض کاشانی (ت ۱۰۹۱) از جمله عالمانی بود که با حضور در شیراز و در مجلس درس او به تحصیل علم حدیث مشغول شد و از او اجازه‌نامه دریافت کرد. (فیض کاشانی، گ. ۱۱۸الف) صالح بن عبدالکریم بحرانی (ت ۱۰۹۸) از دیگر مدرسانی بود که با ورود به شیراز و تدریس در مدارس این شهر موجب رونق علم حدیث در این شهر گردید. (آزاد کشمیری، ۱۳۸۲، ص ۸۴-۸۵) گزارش‌های بسیاری از تعلیم و تعلم علم «حدیث»، به ویژه کتب چهارگانه شیعه در مدارس شیراز در نیمه دوم عصر صفوی موجود است. (برای نمونه، ر.ک. آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۰) در مدرسه «التفاتیه» قزوین با حضور مدرسانی همچون ملاخلیل قزوینی^۱ (ت ۱۰۸۹) و برادرش محمد باقر قزوینی، که از حامیان سرسخت اندیشه اخباری‌گری بودند، علم حدیث در قزوین رونق یافت و طلاب بسیاری در این مدرسه با مسلک اخباری تربیت شدند. (امین، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۱۸۷) نسخه‌ای از کتاب الاستبصار شیخ طوسی در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی

۱. ملاخلیل قزوینی شرحی بر اصول کافی به زبان فارسی داشته است. (حرعاملی، ج ۲، ص ۱۱۲)

نگهداری می‌شود که در پایان کتاب، ملاخلیل قزوینی قرائت این کتاب را برای شاگردش در مدرسه «التفاتیه» تأیید کرده و به او اجازه داده است. (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۳۸۵، ج ۳۴، ص ۵۴۹)

توجه مدارس مشهد به علم حدیث بسیار چشمگیرتر از شهرهای دیگر بود. تعلیم و تعلم علم «حدیث» و استنساخ کتب حدیثی، به ویژه در نیمه دوم عصر صفوی، در مدارس این شهر بیشتر مشاهده می‌شد. برای نمونه، محمد تونی، از مدرّسان بزرگ علم حدیث در مشهد، اصول کافی و من لایحضره الفقیه را تدریس می‌کرد. دو اجازه‌نامه از این دوره موجود است که در آنها محمد تونی این دو کتاب را به شاگردش محمد اسماعیل مازندارنی اجازه داده است. (صدرایی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳-۱۲۴) نسخه‌های بسیاری از کتاب‌های حدیثی در دست در مدارس مشهد کتابت شده و دارای اجازه مدرّس به طلبه نیز هست. (برای نمونه، ر.ک. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ص ۱۰ و ۱۳۶۶، ج ۱۴، ص ۱۰۱) از دیگر مدرّسان مشهد، که در رواج علم حدیث در مدارس مشهد نقش بسزایی داشت، شیخ حرّ عاملی، نویسنده وسائل الشیعه، بود که نقش مهمی در گسترش علم حدیث در مدارس مشهد ایفا کرد. (افندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۶۳)

علی‌قلی جدیدالاسلام،^۱ از نویسندگان اواخر عصر صفویه و تازه مسلمانی که طرفدار اندیشه اخباری‌گری بود، در کتاب هدایة الضالّین، که در بطلان فلسفه نوشت، از بانیان و مسئولان مدارس خواست، اهل حدیث را در مدارس بنشانند و به‌گونه‌ای

۱. آنتونیو دوززو، کشیش پرتغالی مسلمان شده دوره صفوی، که در سال ۱۱۰۹ به اسلام گروید و به فراگیری آموزش‌های اسلامی پرداخت، تحت تأثیر اندیشه اخباری‌گری، به احادیث امامان شیعه علیهم‌السلام بسیار علاقه‌مند شد و با تفکر فلسفی به مبارزه پرداخت. وی کتابی نیز در نقد تورات نوشت. (ر.ک. جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۰۰-۶۰۱)

عمل کنند که اهل فلسفه و حکمت‌خوانان از مدرسه اخراج شوند و نتوانند به مدرسه وارد گردند تا بدین وسیله، طالبان حدیث و اخبار امامان معصوم علیهم‌السلام در مدارس فزونی یابند. او در این باره می‌نویسد:

آنان [بانیان مدارس] مبلغ خطیری را که به هزار زحمت بهم رسانیده‌اند، از برای ثواب آخرت صرف کرده، مدرسه می‌سازند؛ وقف برای آن قرار می‌دهند تا علما پیدا شوند و شیعیان را به دین حضرت آگاه گردانند که نیت ایشان چه چیز بوده و آخر به کدام علم مشغول گشته‌اند[؟] من نمی‌گویم مدرسه بنا کردن خوب نیست، این را می‌گویم که اگر اهل علم حدیث و دین‌داران را در آن نشانند و بی‌دینانی چند که بغیر از افلاطون و ارسطو کسی دیگر را نمی‌شناسند اخراج کنند و راه ندهند، حسنه‌اش زیاده از حسنه‌ اصل بنای مدرسه خواهد بود. (جدیدالاسلام، گ. ۸۵، الف و ۸۵ ب)

به نظر می‌رسد جدیدالاسلام از واقفان و بانیان مدارس می‌خواهد شروطی در وقف‌نامه قرار دهند که تحصیل اهل فلسفه در مدرسه ممنوع شود و به جای آنان، طالبان علم حدیث در مدارس بیشتر شوند؛ چون شرعاً و عرفاً انجام دستورات واقف لازم است. به هر روی، این گفته‌ی وی می‌تواند نشانگر اهمیت مدارس در رواج اندیشه‌های فکری و علمی باشد.

با ارزیابی متون حدیثی، که در عصر صفویه تألیف و یا کتابت شده است، به‌ویژه متونی که مشخصاً در مدارس تألیف یا استنساخ گردیده، تفاوت معناداری میان نیمه‌ی اول و نیمه‌ی دوم عصر صفویه مشاهده می‌شود. اهتمام مدارس در نیمه‌ی دوم عصر صفوی به تعلیم و تعلّم حدیث، کتابت و تألیف آثار حدیثی با نیمه‌ی قبل از آن قابل مقایسه نیست. بی‌گمان، رواج اندیشه‌ی اخباری‌گری در این زمینه بسیار تأثیرگذار بوده است. در مدارس که تحت تأثیر این اندیشه قرار داشتند، مانند مدرسه «مریم

بیگم»^۱ و مدرسه «سلطانی»^۲ اصفهان، علم حدیث بسیار مورد توجه قرار گرفت و در عین حال، بر اساس وقف‌نامه این مدارس، تدریس علوم حکمی نیز در این مدارس ممنوع گردید. در وقف‌نامه مدرسه «سلطانی»، در توضیح اینکه مدرس چه دروسی را باید تدریس کند و از چه دروسی باید احتراز کند، علم حدیث در رأس موادی بود که باید تدریس می‌شد. در وقف‌نامه این مدرسه آمده است: «اقلاً یکی از دروس مدرس یکی از کتب مشهوره احادیث شریفه اهل بیت - علیهم‌السلام - باشد» (اشکوری، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۹۳) **تهذیب الاحکام** شیخ طوسی از جمله سه کتابی بود که محمدباقر خاتون‌آبادی، مدرس مدرسه «سلطانی»، در روز افتتاح این مدرسه تدریس کرد. (خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲، ص ۵۶۱) به رغم آنکه این مدرسه در اواخر عصر صفوی بنا نهاده شد، نسخه‌های خطی متعددی از کتب حدیث در دست است که به وسیله طلاب این مدرسه کتابت شده که بی‌گمان، نتیجه توجه این مدرسه به علم حدیث است.^۳

۱. این مدرسه در محله خواجه‌ای اصفهان، در نزدیکی چهارسوق نقاشی و به وسیله مریم بیگم، دختر شاه صفی، از زنان نامدار اواخر عصر صفویه، در سال ۱۱۱۵ق بنا شد. (هنرفر، ۱۳۵۰، ص ۶۶۵-۶۶۶)

۲. مدرسه «سلطانی» (چهارباغ) باشکوه‌ترین و معروف‌ترین مدرسه عصر صفوی به شمار می‌آید. این مدرسه به وسیله سلطان حسین در سال ۱۱۲۲ق در سال‌های آخر حکومت صفویه تأسیس شد و طی مراسمی باشکوه، در حضور شخص شاه، بزرگان درباری و عالمان بزرگ این دوره افتتاح و حجره‌های آن بین طلاب تقسیم شد و فعالیت آموزشی خود را آغاز کرد. (ر.ک. خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲، ص ۵۵۹-۵۶۰)

۳. برای نمونه، نسخه‌ای از کتاب **من لایحضره الفقیه**، که در سال ۱۱۲۵. در مدرسه «سلطانی» به وسیله طالب بن محمد حسینی مازندرانی کتابت شده است، در کتابخانه آیه‌الله گلپایگانی نگه‌داری می‌شود. (صدرایی خوئی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۶۵۲)

محور اصلی علم حدیث در این دوره، کتب چهارگانه حدیثی بود. (ر.ک. تیریزی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۴) شیخ بهائی در اجازه‌نامه‌هایی که برای شاگردانش صادر کرده، به اهمیت کتب چهارگانه حدیثی در عصر صفویه تصریح کرده است. (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۶، ص ۱۴۶ و ۱۵۰) گزارش‌های بسیاری از تدریس این کتاب‌ها در مدارس این دوره رسیده است. (جبعی عاملی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۴-۳۳۵) بسیاری از مدرّسان بزرگ و مشهور نیمه دوم دوره صفویه، کتاب‌های چهارگانه را تدریس می‌کردند و بعضی در تدریس این کتب شهرت و تخصص داشتند. (برای نمونه، ر.ک. خوانساری، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۱۱) در همه اجازه‌نامه‌هایی که محمدتقی مجلسی و محمد باقر مجلسی برای شاگردانشان صادر کرده‌اند و در مجلد آخر بحارالانوار موجود است، کتب چهارگانه حدیثی جزو مواد اجازه داده شده است. در اجازه‌نامه‌هایی که در بحارالانوار آمده است، هر چه به اواخر حکومت صفویه نزدیک می‌شویم، محتوای اجازه‌نامه‌ها بیشتر شامل احادیث و کتب اربعه حدیثی و علوم مربوط به آنها می‌گردد و از معقولات کاسته می‌شود و اجازاتی همچون اجازه میرداماد به شاگردانش، که شامل کتبی همچون شفا و اشارات است، مشاهده نمی‌شود. (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۶، ص ۱۵۳)

جریان شرح‌نویسی بر کتب چهارگانه با شروح محمدامین استرآبادی بر سه کتاب **الکافی و الاستبصار و التهذیب** آغاز شد و با غلبه تفکر اخباری‌گری گسترش بیشتری یافت. این پدیده را می‌توان از پیامدهای غلبه اندیشه اخباری‌گری دانست؛ (رجبی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴) زیرا در اندیشه اخباریان، همه اخبار موجود در کتب چهارگانه صحیح است. (ر.ک. رضوی، گ. ۳۴ الف) بنابراین، اخباریان به شرح‌نگاری بر کتب چهارگانه توجهی ویژه داشتند. از جمله این شروح، می‌توان به حاشیه سید بدرالدین انصاری بر **اصول کافی** اشاره کرد. او شاگرد شیخ بهائی و از مدرّسان مدارس مشهد بود. (حسینی عاملی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۴) شرح ملاخلیل قزوینی با نام **شافی فی شرح کافی** از مهم‌ترین شروح و متون درسی پس از تألیف بود و نسخه‌های خطی متعددی از کتابت آن در

عصر صفویه در دست است. (برای نمونه، ر.ک. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه عمومی آیه‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۳، ص ۲۵؛ ج ۱۰، ۱۷۲) سلاطین صفوی نیز به رواج این کتاب‌ها توجه داشتند. برای نمونه، می‌توان به دستور شاه عباس دوم (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷) به محمدتقی مجلسی برای شرح کتاب *من لایحضره الفقیه* اشاره کرد. (واله اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۵۸۲)

استنساخ و تکثیر کتب چهارگانه حدیثی در مدارس این دوره مورد توجه جدی قرار داشت؛ نکته‌ای که از آن می‌توان گسترش و رواج کتب حدیث را در نیمه دوم عصر صفوی دریافت؛ زیرا معمولاً طلبان همزمان با تعلیم نزد استاد، کتاب مورد نیاز خود را نیز استنساخ می‌کردند که بیشتر آنها نیز دارای اجازه‌نامه‌ای از مدرس است.^۱ برای نمونه، عبدالحی یزدی (ت ۱۲۴۱ق) کتاب *من لایحضره الفقیه* را در دوره اشتغالش در مدارس اصفهان کتابت کرد. (آقابزرگ طهرانی، ص ۴۲۳) محمدزمان تبریزی، از طلبان مدرسه «شیخ لطف‌الله»^۲ که بعدها ناظر این مدرسه نیز شد، حواشی *تهذیب الاحکام* را در این مدرسه به رشته تحریر درآورد. (آقابزرگ طهرانی، ص ۲۹۳) نمونه‌های بسیار دیگری از استنساخ کتب حدیثی در مدارس این دوره موجود است.

در ارزیابی فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی در رابطه با کتب چهارگانه، آمار جالب توجهی به دست آمد. در مجموعه کتاب‌های این کتاب‌خانه، ۳۲۰ نسخه خطی از کتب چهارگانه حدیثی، که در ایران کتابت شده،

۱. معمولاً مستمری طلبان برای تأمین هزینه‌هایشان کافی نبود و غالباً آنان امکان خرید کتاب را نداشتند. از این‌رو، آنان کتب مورد نیازشان را خود استنساخ می‌کردند. (ر.ک. جزایری، ج ۴، ص ۳۰۷)

۲. این مدرسه را شاه عباس اول برای تدریس شیخ لطف‌الله میسی در اصفهان بنا کرد. این مدرسه از مهم‌ترین مدارس عصر صفوی بود و عالمان بزرگی همچون آقا حسین خوانساری و محمدباقر خاتون‌آبادی در آن به تحصیل و تدریس می‌پرداختند. (تبریزی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۷-۲۹۸)

موجود است. یازده نسخه آن مربوط به پیش یا پس از عصر صفویه و یا بدون تاریخ بوده و سایر نسخه‌ها مربوط به عصر صفویه است که بر اساس تاریخ استنساخ، چنین دسته‌بندی می‌شوند:

۱. قرن دهم هجری، ۳۱ نسخه؛

۲. نیمه اول قرن یازدهم، ۴۲ نسخه؛

۳. نیمه دوم قرن یازدهم تا پایان حکومت صفویه؛ ۲۳۶ نسخه.

تعداد قابل توجهی از این کتاب‌ها در مدارس عصر صفوی کتابت شده و معمولاً پایان کتاب دارای اجازه‌نامه مدرس به طلبه‌ای است که کتاب را استنساخ کرده. (برای نمونه، ر.ک. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۱، ص ۲۷۴ و ج ۱۴، ص ۱۰۱) با بررسی فهرست نسخه‌های خطی دیگر نیز تقریباً آمار مشابه به دست آمد. در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله گلپایگانی، تقریباً همه نسخه‌های خطی مربوط به کتب چهارگانه حدیث، که در آن به نام مدارس اشاره شده، مربوط به نیمه دوم عصر صفوی است. برای نمونه، می‌توان به استنساخ من لایحضره الفقیه در مدرسه «سلیمانیه»^۱ (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۰، ص ۵) و در مدرسه «باباقاسم» اصفهان در سال ۱۰۵۳ ق (صدرایی، ۱۳۸۸ش، ج ۸، ص ۴۶۵۱) و تهذیب الاحکام به وسیله حسن قهپایی در سال ۱۰۷۴ ق در مدرسه «جعفریه» اصفهان اشاره کرد. (صدرایی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۱۰۷۹) این آمار علاوه بر آنکه نشان‌دهنده اهمیت کتب چهارگانه در این دوره به عنوان متن درسی طلاب است، می‌تواند روند آموزش علم «حدیث» را در عصر صفویه نشان دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تحت تأثیر اندیشه اخباری‌گری، علم «حدیث» با محوریت کتب

۱. این مدرسه بخشی از مسجد «شاه» اصفهان است که به دستور شاه عباس دوم در زوایه غربی مسجد بنا گردید و به دلیل اتمام بنا در سال ۱۰۷۸ ق یعنی در دوره شاه سلیمان، به مدرسه «سلیمانیه» شهرت یافت. (هنر فر، ۱۳۵۰، ص ۴۵۵)

چهارگانه حدیثی، در مدارس مورد توجه بیشتر قرار گرفت و هر چه به اواخر عصر صفویه نزدیک‌تر می‌شویم، روند توجه به حدیث در مدارس بیشتر می‌شود. البته با وجود گسترش علم حدیث در نیمه دوم عصر صفویه، مدارس مختص علم «حدیث» یعنی «دار الحدیث» مشاهده نمی‌شود و این نکته‌ای قابل تأمل است، در حالی که در حکومت عثمانی، که همزمان با صفویه و رقیب آن بود، «دارالحدیث»ها از مهم‌ترین مدارس عثمانی^۱ به شمار می‌آمد. (برای نمونه، ر.ک. ریاحی، ۱۳۶۸، ص ۹۵) در منابع شرح احوال علما و مدرّسان دوره عثمانی، به فراوانی می‌توان مدارس حدیث را مشاهده کرد. (برای نمونه، ر.ک. بالی الآیدینی، ۱۳۸۹، ص ۳۵) علت این امر به درستی معلوم نیست؛ شاید از آن رو باشد که تاسیس دارالحدیث در حکومت شیعی صفویه تقلیدی از حکومت رقیب و سنی مذهب عثمانی تلقی می‌شد و از این رو، شایسته توجه نبود.

رواج مشرب اخباری‌گری و اهمیت بیش از پیش علم حدیث سبب شد محدثان کوششی تازه در جهت گردآوری، شرح‌نویسی و ترجمه احادیث شیعی به عمل آورند تا ضمن آسان ساختن استفاده از کتب چهارگانه، امکان بهره‌گیری از احادیث مندرج در دیگر کتب روایی نیز فراهم آید، همین انگیزه سبب تدوین و تألیف مجامع و دائرةالمعارف حدیثی در این دوره شد. (معارف، ۱۳۸۱، ص ۴۰۱-۴۰۲) این مجامع حدیثی از متون درسی مهم در اواخر عصر صفویه بود و به فراوانی می‌توان آموزش این کتاب‌ها در مدارس و صدور اجازه‌نامه برای آنها را مشاهده کرد. وافی، اثر فیض کاشانی (ت ۱۰۹۱ق)، از بزرگ‌ترین و جامع‌ترین کتب حدیثی است که در سال ۱۰۶۸ق تألیف شد و شهرت بسیاری در عالم تشیع به دست آورد. فیض اجازه این کتاب را در اجازات خود به شاگردانش داده است. (برای نمونه، ر.ک. آقابزرگ طهرانی،

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره مدارس عثمانی، ر.ک. عبادی، ۱۳۸۹، ص ۸۱-۱۰۵.

ص ۱۲۵) *وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه* تألیف شیخ حرّ عاملی (ت ۱۱۰۴ ق) تمام احادیث مربوط به احکام شرعی را از کتب چهارگانه حدیثی و قریب هفتاد کتاب دیگر جمع‌آوری کرده است. این کتاب از متون مهم درسی در اواخر عصر صفویه، به‌ویژه در مدارس مشهد، بود. (حرّ عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۲۳) *وسائل الشیعه* از جمله کتب وقفی مدرسه «نواب»^۱ مشهد بود که به وسیله محمدتقی موسوی، شاگرد شیخ حرّ عاملی، کتابت و همراه چند کتاب دیگر، وقف این مدرسه شد. (آقابزرگ طهرانی، ص ۱۲۵)

بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار اثر محمدباقر مجلسی (ت ۱۱۱۱ ق) است. این دائرةالمعارف حدیثی، از مهم‌ترین متون درسی علم حدیث به شمار می‌آمده است. علّامه مجلسی این کتاب را با همکاری تعدادی از شاگردانش تدوین کرد. افندی، نویسنده *ریاض العلماء*، و نعمت‌الله جزایری از مشهورترین آنان هستند که از تربیت یافتگان مدارس عصر صفوی و از برجسته‌ترین مدرّسان آن دوره به شمار می‌آمدند. (جزایری، ج ۴، ص ۳۱۴ و ۳۲۲ / خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲، ص ۵۵۵) گزارش‌های متعددی از تعلیم و تعلّم *بحار الانوار* در اواخر دوره صفویه در دست است. برای نمونه، محمد رشید، از شاگردان محمدباقر مجلسی، جلد هجدهم این کتاب را استنساخ کرد و در انتهای آن، از مجلسی اجازه‌ای دریافت کرد که در آن به سماع او از مجلسی اشاره شده است. (آقابزرگ طهرانی، ص ۲۶۱-۲۶۲) همچنین مجلداتی از این کتاب، که در سال ۱۱۰۷ در مدرسه «خلیلیه» قزوین کتابت شده، موجود است. (صدرایی خوئی، ج ۲، ص ۵۸۲) نمونه‌ای بسیاری دیگر از تعلیم و تعلّم این کتاب در مدارس اواخر عصر صفویه در دست است که نشان‌دهنده اهمیت آن به عنوان متن درسی است.

۱. این مدرسه در سال ۱۰۸۶ ق به وسیله میرزا صالح نقیب رضوی ساخته شد و به این دلیل به مدرسه «صالحیه» نیز شهرت داشت و از مهم‌ترین مدارس علمی در عصر صفوی به شمار می‌آمد. (ر.ک. اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶۰)

نتیجه

با رسمیت یافتن مذهب شیعه دوازده امامی در عصر صفویه، احادیث شیعه در مدارس مورد توجه قرار گرفت، اما حاکمیت عقل‌گرایی در مراکز علمی ایران در نیمه اول عصر صفویه، توجه بیشتر مدارس به فقه و اصول و علوم حکمی و کم توجهی به علم حدیث را در پی داشت. با احیای اندیشه اخباری‌گری در عصر صفویه و تحت تأثیر آن، که همزمان با نیمه دوم دوره صفوی بود، توجه مدارس به علم حدیث، به ویژه کتب چهارگانه حدیثی، بیشتر شد که آموزش گسترده آن را در مدارس آن دوره در پی داشت. این جریان در نیمه دوم عصر صفوی هر چه به اواخر این دوره نزدیک می‌شویم، روند صعودی می‌یابد، تا آنجا که حتی در بعضی از مدارس، تدریس یکی از کتب چهارگانه از شروط مدرّس مدرسه قرار گرفت؛ شرطی که در مدارس نیمه اول عصر صفوی مشاهده نمی‌شود. در نتیجه توجه بیشتر مدارس به علم حدیث، به ویژه در اواخر عصر صفویه، شروح و حواشی فراوانی بر کتاب‌های حدیثی نگاشته شد و بسیاری از آن کتب، به ویژه کتب چهارگانه حدیثی، استنساخ و تکثیر شد که شمار قابل توجهی از آنها در مدارس انجام شد. همچنین در اواخر عصر صفویه جوامع حدیثی ثانویه گردآوری و تدوین شد که از پیامدهای توجه به علم حدیث بود.

منابع

۱. اسکندریبگ ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۲. اشکوری، سیدصادق، اسناد موقوفات اصفهان، زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه اصفهان، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۷۸.
۳. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، مطلع الشمس، تهران، پیشگام، ۱۳۶۲.
۴. افندی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سیداحمد الحسینی، قم، مطبعة الخيام، ۱۴۰۱.
۵. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶.
۶. آزادکشمیری، محمدعلی، نجوم السماء فی تراجم العلماء، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۲.
۷. آقابزرگ طهرانی، الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی عشر، ط. الثانیه، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
۸. بالی‌الایدینی، علی، العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم، تصحیح سیدمحمد طباطبائی بهبهانی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد، لؤلؤة البحرين فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، تصحیح سیدصادق بحر العلوم، بیروت، دارالاضواء، بی‌تا.
۱۰. تبریزی، محمدزمان، فرائد الفوائد در احوال مساجد و مدارس، به کوشش رسول جعفریان، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۳.
۱۱. جیبی‌عاملی، علی بن محمدحسن بن زین‌الدین، الدر المنثور، قم، مطبعة مهر، ۱۳۹۸.
۱۲. جدیدالاسلام، علی‌قلی، هداية الضالین و تقوية المؤمنین، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۲۰۸۹.
۱۳. جزایری، سید نعمت‌الله، الانوار النعمانیه، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
۱۴. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۱۵. حاتمی، فاطمه، «وقف‌نامه مدرسه مقیمیه»، فصل‌نامه وقف، میراث جاویدان، سال یازدهم، ش ۴۲، (بهار و تابستان ۱۳۸۲).
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، امل الآمل، تحقیق سیداحمد الحسینی، قم، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۷. حسینی خاتون آبادی، محمدصالح، حدائق المقربین، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۶۲۴۰۸.
۱۸. حسینی عاملی، محمدشفیع، محافل المؤمنین، تصحیح ابراهیم عرب پور و منصور جغتایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۹. خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۵۲.

۲۰. خوانساری، محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، مکتبه اسماعیلیان، ۱۳۹۲.
۲۱. رجبی، محمدحسین، «زمینه‌ها و علل ظهور اخباری‌گری در عصر صفویه»، پایان‌نامه دکتری، رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۲۲. رضوی، عبدالحی، *حدیقه الشیعه*، کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۹۰۸۳.
۲۳. رعدی، علی، «اخباریان و نقش آنان در تاریخ شیعه»، فصل‌نامه اندیشه نوین دینی، سال سوم، ش هشتم، (۱۳۸۶).
۲۴. ریاحی، محمدحسین، *سفارتنامه‌های ایران*، تهران، توس، ۱۳۶۸.
۲۵. زان، شاردن، *سفرنامه بخش اصفهان*، ترجمه حسین عریضی، اصفهان، چاپخانه راه نجات، ۱۳۳۰.
۲۶. سماهیجی، عبدالله بن صالح، *مذیة الممارسین*، نسخه خطی کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۹۱۶/۲۷.
۲۷. صداری، علی، «دو اجازه‌نامه»، میراث اسلامی ایران، دفتر چهارم، ۱۳۷۶.
۲۸. صدراپی خوئی، علی و ابوالفضل حافظیان، *فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه عمومی آیه‌الله گلپایگانی*، نگارش علی، تهران، کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۹. عبادی، مهدی، «عوامل مؤثر بر گسترش مدارس در قلمرو عثمانی (دوره کلاسیک، سده ۸-۱۰ هجری)»، پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی، سال چهل و سوم، ش یکم، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹).
۳۰. *فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه عمومی آیه‌الله مرعشی نجفی*، قم، کتاب‌خانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۶۴-۱۳۹۰.
۳۱. فیض کاشانی، محسن، *فهرست العلوم*، نسخه خطی کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، ش ۳۸۱۸.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳ م.
۳۳. مجلسی، محمدتقی، *لوامع صاحب‌قرانی*، تهران، علمی، بی‌تا.
۳۴. معارف، مجید، *تاریخ عمومی حدیث*، تهران، کویر، ۱۳۸۱.
۳۵. واله اصفهانی، محمدیوسف، *خلد برین*، تصحیح محمدرضا نصیری، چ دوم، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.
۳۶. *وقف‌نامه مدرسه امامیه اصفهان*، نسخه خطی، کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۵۱۸۱.
۳۷. هنرفر، لطف‌الله، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، تهران، کت‌ابفروشی ثقی، ۱۳۵۰.
38. Rula jurdi, Abisaab, **Converting Persia: Religion and Power in the Safavid Empire**, International Library of Iranian Studies, London, Tauris, 2004.